

عدالت بین نسلی

Intergenerational equality

یکی از موضوعاتی که در دهه ۱۹۷۰ میلادی به‌ویژه در پایان قرن بیستم به‌طور جدی مورد تأکید محافل گوناگون سیاست‌گذاری ملی و بین‌المللی قرار گرفت، بحث عدالت بین‌نسلی است. داشتن حقوق یکسان و عادلانه انسان‌های نسل امروز و نسل‌های قبل و بعد، از کل هستی (زمین و منابع طبیعی به‌طور خاص) بیانی از عدالت بین‌نسلی است. از این رو، این عبارت پیوند معنی‌داری با توسعه پایدار و محیط‌زیست سالم دارد (بدر ۱۹۹۶، موریسی ۲۰۱۱، مارکویتز ۲۰۱۷، لارنس و وبر ۲۰۱۳، لی و همکاران ۲۰۱۲). زیرا توسعه پایدار از یک سو بر عدالت بین‌نسلی استوار است و از سوی دیگر بر محیط‌زیست سالم تأکید دارد. توسعه پایدار همچنین بر رفاه و پیشرفت برای همه نیز پافشاری می‌کند. به عبارت دیگر، تحقق عدالت بین‌نسلی نوعی همراهی با توسعه اجتماعی، رفاه و بهبود سطح زندگی دارد.

بر اساس تئوری و تجربه، پایداری توسعه در صورت تضمین عدالت بین‌نسلی معنی‌دار خواهد بود. زیرا در صورت تحقق عدالت بین‌نسلی است که هم عدالت برقرار است، هم محیط‌زیست سالم است و هم رفاه و کارایی بالا است. این‌ها در عین حال خود شاخص‌های زندگی آرام و صلح‌آمیز در بلندمدت به حساب می‌آیند. این است که در صورت توجه به توسعه پایدار و در نظر گرفتن عدالت بین‌نسلی، چالش بین عدالت و کارایی نیز حل‌وفصل می‌شود. از این رو، است که به عقیده توبین (۱۹۷۴: ۴۲۶) در صورت محقق شدن شاخص‌های سه‌گانه رفاه، عدالت بین‌نسلی و سلامت محیط‌زیست در واقع بسترهای نوعی آرامش بلندمدت برای همه فراهم می‌شود (دنيس، ۲۰۱۱). اهمیت همراهی عدالت بین‌نسلی و توسعه پایدار به‌گونه‌ای بوده که ظهور آن به‌عنوان یک نوع انتقال پارادایمی نیز تلقی می‌شود. همچنین، در پرتو آن برخی دشواری‌ها و جدل‌های

تاریخی و سنتی بین رشد و توسعه نیز حل می‌شود. در رشد و توسعه سنتی (قبل از بحث پایداری توسعه و عدالت بین‌نسلی)، رشد می‌توانست به توزیع ناعادلانه و نابودی محیط‌زیست بیانجامد. اما در رشد و توسعه مدرن آن رشد اقتصادی که به محیط‌زیست آسیب وارد آورد یا موجب فقر، فاصله شدید طبقاتی و بیکاری نسل‌هایی از جامعه بشود، قابل دفاع نیست (کروگمن، ۲۰۱۳).

با وجود اینکه ابعاد اقتصادی عدالت بین‌نسلی وسیع است اما جنبه بین‌رشته‌ای دارد و تنها بر محور امور اقتصادی استوار نیست. از این رو به بحث‌هایی از قبیل سیاست اجتماعی و عمومی، مدیریت دقیق بدهی ملی، توجه به بودجه‌بندی متوازن، کاربرد عقلانی منابع پایان‌پذیر و موارد مشابه با بحث عدالت بین‌نسلی گره می‌خورند. انباشت بدهی ملی در دنیای مدرن زمانی مورد قبول است که فشار زیادی بر نسل‌های آینده وارد نیاورد. از این رو، خام‌فروشی منابع پایان‌پذیر مانند نفت نمی‌تواند بدون توجه به ملاحظات نسل‌های آینده توجیه شود. بر اساس نظریه عدالت بین‌نسلی، منابع مربوطه به‌جای کاربرد در تأمین هزینه جاری، بایستی برای تقویت زیرساخت‌های اقتصادی و اجتماعی به‌کار روند که منافع آن به‌طور عادلانه بین نسل امروز و نسل‌های بعد توزیع گردد. بنابراین در صورت رعایت مفاد تئوری عدالت بین‌نسلی، جامعه می‌تواند از برخی دشواری‌های بیماری‌های هلدنی و نفرین منابع خود را بیمه کند. چون منابع هدر نمی‌روند و دولت بر اساس مالیات هزینه می‌کند و به رفاه آیندگان توجه می‌شود (مؤکلی، ۲۰۱۲ و شیرچ، ۲۰۱۳). یک دلیل اهمیت بالای پس‌انداز در میان اقتصاددانان توجه به آینده و ملاحظات بین‌نسلی بوده است. بی‌توجهی به آینده‌نگری از نظر اقتصاددانان کم‌توجهی به ملاحظات عقلانی است و عقلانیت بلندمدت و عقلانیت فراگیر در این ارتباط مطرح می‌شود. مهم‌تر آنکه برخی از صاحب‌نظران تأکید دارند که مدل‌های رشد اقتصادی (مربوط به سولو و دیگران) نیز از یک سو با بسترهای بین‌نسلی همراه بوده‌اند و از سوی دیگر لازم است با نگاه

بین‌نسلی تکامل یابند (آسموگلو، ۲۰۰۸). یکی از صاحب‌نظران برجسته‌ای که موضوع عدالت بین‌نسلی را احیا کرده و تکامل بخشید فیلسوف و اقتصادشناس معروف جان رالز (۱۹۲۱-۲۰۰۲) است. صاحب‌نظران اقتصاد رشد مانند سولو (۱۹۷۴) و دیگران نیز در واقع نوعی بازخوانی الگوی رالز را انجام داده و به ملاحظات عدالت بین‌نسلی توجه داشته‌اند. جان رالز با تأکید بر اصل پس‌انداز عادلانه و بهینه همگان را به رعایت حقوق عادلانه نسل‌های آینده وادار می‌کند (هرمن، ۲۰۰، رالز، ۱۹۷۱، دادگر و آرمانمهر، ۱۳۸۸). توصیه سیاستی نظریه رالز آن است که کارگزاران امروزی بایستی برای کارگزاران نسل‌های آینده زمینه شکل‌گیری مقداری انباشت سرمایه تضمین‌شده را فراهم آورند. رالز در این رابطه تأکید می‌کند که در واقع برقراری عدالت بدون ملاحظات بین‌نسلی ماندگار نیست. به عبارت دیگر، از منظر رالز، گویی عدالت بدون ملاحظات بین‌نسلی اصولاً عدالت به حساب نمی‌آید. از این رو است که بسیاری از مطالعات رابطه مثبت و معنی‌داری بین عملیاتی شدن عدالت بین‌نسلی از یک سو و سلامت محیط‌زیست، آرامش و امنیت، رفاه و رضایت شهروندان از سوی دیگر را اثبات می‌کنند (ردکلیفت، ۱۳۶۳، پرمراجرز و همکاران، ۱۳۸۲، بارو، ۱۳۸۰، و برن فو، ۱۳۷۵). بر اساس برخی مطالعات، تحقق عدالت بین‌نسلی در مصرف انرژی می‌تواند کارآمدی و رضایت‌بخشی قابل توجهی به همراه داشته باشد. برخی کشورهایی که ذخائر طبیعی بالایی در شرایط فعلی دارند، برای توجه به عدالت بین‌نسلی بخشی از درآمد مربوط به ذخائر مربوطه را در یک صندوق ذخیره مخصوص نگهداری می‌کنند.

یک دلیل دیگر اهمیت توجه به عدالت بین‌نسلی این است که از دهه ۱۹۷۰ به بعد سازمان‌های انسان‌دوست، گروه‌های مدافع اقتصاد سبز و طرفداران سلامت، همه به

تلاش افتاده و برای موضوعات مرتبط با عدالت بین‌نسلی سرمایه‌گذاری و هزینه کرده‌اند. شکل‌گیری سازمان‌های حمایتی، تأمین اجتماعی و مانند آن در دهه ۱۹۸۰، توجه عملی بیشتر به مدیریت آینده‌نگر در دهه ۱۹۹۰ توجه به برنامه‌ریزی‌های عدالت‌محور در ادامه قرن ۲۱ همه و همه به نحوی در راستای تقویت عدالت بین‌نسلی به پیش رفته‌اند. با جدی‌تر شدن ابعاد جهانی شدن اقتصاد، مسائل و مشکلات جدیدتری در کوتاه‌مدت بروز کرد که حل و فصل آن‌ها توجه بیشتری به عدالت‌گرایی را طلب می‌کرد. پس از بحران مالی و اقتصادی ۲۰۰۷-۲۰۱۲، جناح‌های سیاسی نیز به ابعادی از موضوع‌ها و شاخص‌های توسعه پایدار (از جمله عدالت بین‌نسلی) توجه بیشتری کرده‌اند. همچنین برنامه‌ریزی‌های دولت‌ها از یک طرف، هدف‌گذاری‌های سازمان‌های غیردولتی و غیرانتفاعی از سوی دیگر، سمت و سوی مطالعات آکادمیک، شکل‌گیری کنفرانس‌های علمی، راه‌اندازی پروژه‌های ملی و بین‌المللی، تولید نوشته‌های جدید، تعریف واحدهای درسی بین‌رشته‌ای در موضوع عدالت بین‌نسلی و موارد مشابه همه و همه حکایت از اهمیت بیشتر این‌گونه موضوع‌ها در ادامه قرن ۲۱ داشته و دارند. برنامه‌ریزی‌های سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰۵۰ از سوی سازمان‌های بین‌المللی، چه وابسته به سازمان ملل و چه غیروابسته به آن نیز گویای واقعیت‌هایی در این زمینه است (بولیوار، ۲۰۱۸، پوشاندر، ۲۰۱۸، ماتیس و جنین، ۲۰۱۵). بنابراین، به‌طور کلی عدالت بین‌نسلی در ادامه قرن ۲۱: نخست، فاصله زیادی در مقایسه با عدالت سنتی پیدا کرده است. زیرا در عدالت سنتی تنها به نسل جاری توجه می‌شد. دوم، این موضوع در درون مطالعات اولویت‌دار محافل علمی قرار گرفته است. سوم، اهمیت آن در برنامه‌ریزی بلندمدت دولت‌ها، ملت‌ها و سازمان‌های رسمی و غیررسمی و حتی احزاب و تشکل‌های سیاسی مورد تأکید واقع شده

عدالت بین نسلی

- Morisy, A (2011). borrowing, from the future, Bloomsbury publishers.
- Puashunder, J (2018). intergenerational responsibility in the 21 century, Vernon press.
- Schirch, L (2013). conflict assessment and peace building planning, Kumarian press.
- Solow, R.M (1974), intergenerational equity and exhaustible resources, the review of economic studies, 41, 29-45.
- Tobin, J (1974), what is permanent endowment income? American economic review, 64 (2), 427-432.

یداله دادگر

هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی

است. چهارم، تجربه‌های زیادی از ملاحظات عدالت بین نسلی دفاع می‌کنند. سرانجام پنجم، توجه به ملاحظات عدالت بین نسلی در واقع برای تثبیت هر چه بیشتر دیگر نمادهای موفق قرن بیست و یکمی مانند توسعه پایدار، صلح و امنیت جهانی، گفتمان بین تمدن‌ها و موارد مشابه نقش بسیار کارسازی همراه دارد. گویی توجه به عدالت بین نسلی نوعی بازنگری جدید نسبت به انسان را تدارک دیده است.

کتاب‌شناسی

- بارو، کریستوفر جان (۱۳۸۰). اصول و روش‌های مدیریت زیست محیطی، مهرداد اندرودی، تهران: نشر کنگره.
- برنفو، ادوارد (۱۳۷۵). آشتی انسان و طبیعت، صلاح الدین محلاتی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- پرمناجرز، یوما و مکگیلی، ری چینر (۱۳۸۲). اقتصاد محیط زیست و منابع طبیعی، حمیدرضا ارباب، تهران: نشر نی.
- دادگر، یداله و آرمانمهر، محمدرضا (۱۳۸۸). «نقد مبانی عدالت رالز»، پژوهشنامه علوم اقتصادی، ۹ (پیاپی ۳۵)، ۶۰-۳۷.
- ردکلیفت، مایکل (۱۳۶۳). توسعه پایدار، حسین نیر، تهران: مرکز مطالعات برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی.
- Acemoglou, D (2008). introduction to modern economic growth, Princeton university press.
- Beder, D (1996). the nature of sustainable development, scribe, new ham.
- Bolivar, M (2018). financial stability and intergenerational equality, IGI, press.
- Dematteis, J and Janin, M (2015). justice league Dark, vo, 15, Dc comic publishers.
- Dennis, T (2011). «representing future generations, in democracy», equity and justice, Matravers and Mayer, 17-37
- Herman, B (2000). John Rawls, Harvard University press.
- Krugman, P (2013). cheating our children, the New York Times March 28.
- Lawrence, A and Weber, J (2013). business and society, McGraw-Hill.
- Lee, G, Kurashinge, B and Glover, D (2012). the next American revolution, university of California press.
- Markovits, E, (2017). **future freedom**, Routledge.
- Moeckli, D, Shah, S, Sivkumaran, S and Harris, D (2012). international human rights law, Oxford University press.
- Rawls, J (1971). a theory of justice, Harvard University press.